



علیرضا زارعی

عموماً دانشجویانی که در هنرستان به رشته‌ی مربوطه پرداخته بودند، از لحاظ فهم و درک هنری، تفاوت زیادی با دانشجویان تغییر رشته‌ای و دبیرستانی داشتند که خب این طبیعی بود. چون حداقل دو تا چهار سال بیشتر با رشته‌ی فعلی درگیر بودند. حال خودم قرار است در کلاسی تدریس کنم که از آن محروم بوده‌ام. ناخودآگاه این فکر مرا فرا می‌گیرد که اگر دانش‌آموزان علاقه‌مند اصفهان و خیلی دیگر از نقاط کشور همین شرایطی را داشتند که برای دانش‌آموزان تهرانی مهیا بود، شاید شرایط فعلی حرفه‌های علمی و هنری ما بهتر بود! و حتماً یکی از بزرگ‌ترین علت‌های تک‌قطبی شدن شهر تهران برای رشته‌ای مانند سینما، همین نبودن زیربناها و امکانات تربیتی آموزشی برای دانش‌آموزان شهرهایی مانند اصفهان است و پیامدهایی دارد مانند تربیت شدن نیروهای مفید و کاربلد جوان در این جور شهرها و حتی نبودن شرایط شغلی برای مدرسان این حرفه و طبعاً به وجود نیامدن بستر مناسب برای فعالیت و بازار کار این نوع رشته‌ها.

شاید بتوان با حل کردن این مشکل که چندان هم سخت نیست، به خیلی از ارزش‌ها و دارایی‌های جوان‌ها بهتر پاسخ داد؛ آن‌هم در شهری مانند اصفهان که نیروهای ارزشمندی، با همین شرایط، به جامعه‌ی هنری و سینمایی معرفی کرده و آثار ارزشمندی را به خود دیده است. حتی همین جشنواره‌ی کودکی که هر ساله به مرکزیت شهر اصفهان در حال برگزاری است، ولی از طرف دیگر نمی‌تواند پاسخگوی علاقه‌ی همان کودکانی باشد که با همین رویدادها حس خوش سینما و فیلم در آن‌ها زنده شده است. امید است شرایط جوان‌ها و نوجوان‌های کشورمان بهبود یابد و استعدادهایشان تلف نشود.

روزی قرار شد تدریس خود را شروع کنم. با دوستی که سابقه‌ای در این کار داشت صحبت کردم. نکاتی را به من گفت. یکی از آن‌ها این بود که سعی کن روز اول تدریس نکنی و بیشتر با دانش‌آموزان آشنا شوی. همین کار را کردم. دانش‌آموزان خود را معرفی می‌کردند. یکی یکی از رشته‌ای که می‌خواندند می‌گفتند و به رشته‌هایی که برای دانشگاه مدنظر داشتند، می‌رسیدند. اکثر بچه‌ها هنر را دوست داشتند و علاقه‌مند رشته‌ی سینما و فیلم‌سازی بودند.

صحبت‌ها مرا به عقب بردند؛ روزهای کنکور خودم و موانع آن تا امروز را به یاد آوردم. زمانی تصمیم گرفتم تغییر رشته دهم و هنر بخوانم، اما نبود رشته‌ی سینما و حتی رشته‌ای مثل تولید برنامه در شهر من، اصفهان، مانع شد. به ناچار رشته‌ی ریاضی را ادامه دادم. برای کنکور هنر که درس می‌خواندم، در همان ابتدا ترسی در من به وجود آمد و آن عقب‌بودن نسبت به سایر دانش‌آموزان هنرستانی بود که رشته‌ی سینما خوانده بودند.

پس تصمیم گرفتم در دوره‌ی فیلم‌سازی انجمن سینمای جوان شرکت کنم. نکته‌ای برایم جالب بود. افرادی بودند که اکثراً مشکل مرا داشتند و نبودن هنرستان سینمایی در اصفهان برای آن‌ها هم مشکل شده بودند. حتی دوستی داشتم که مجبور شده بود در هنرستان رشته‌ی تئاتر بخواند و به خاطر نداشتن علاقه به رشته، از همان هنرستان تصمیم به ترک تحصیل گرفته بود. زمانی که وارد دانشگاه شدم، متوجه فایده‌ی سختی‌هایی شدم که به خودم داده بودم. دیگر چیزی از آن ترس عقب‌افتادگی نداشتم، اما این ترس حدس درستی بود. تفاوت بین دانشجویان هنرستانی و دبیرستانی بسیار زیاد بود.